

در پاسخ به مقاله

کتابی که هرگز نوشته نشد»

اتهام به استاد نارواست

محمد افشین وفایی

روز شنبه ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۸۶ آقای علیرضا غلامی در بخش معرفی کتاب روزنامه اعتماد به نکاتی درباره کتاب تازه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی با عنوان «زمینه اجتماعی شعر فارسی» پرداخته است. ایشان پس از تحسین ریزیبنی‌ها و وسواس علمی دکتر شفیعی و ارزش شعر او، مدعی شده که کتاب جدید شفیعی کدکنی «حرف تازه‌یی ندارد.

تکرار کرده‌هایی است که او از چهار دهه قبل در کتاب‌هایش آورده است.» و ایراد گرفته‌اند که چرا به زادگاه هر مقاله اشاره نشده است و نیز چرا آنچه در کتاب‌های قبلی ایشان و مجلات دیگر آمده، اینجا به دست ناشر دیگری سپرده شده است و در انجام نیز آرزو کرده‌اند که «ای کاش دکتر شفیعی به جای صرف وقت برای ساختن این کتاب» مقدمات انتشار کتاب‌های دیگرش را که از سال‌ها پیش قول چاپ آنها را داده است فراهم می‌ساخت. نویسنده یادداشت، سخن بر این کلمه به آخر رسانیده: کتاب مذکور «کتابی است که با دست مائشین‌های چاپ امروزی ساخته شده است.»

نگارنده این سطور به علت اینکه از آغاز چاپ این کتاب در جریان مراحل مختلف آن بوده ذکر چند نکته

در برای روشن شدن ذهن و ضمیر خوانندگان از جمله آقای غلامی لازم می‌داند:

نخست آنکه اتهام کتاب‌سازی برای مردی که سالیان دراز در انزواي خودخواسته به انجام تحقیقات وسیعی – که ارزش آنها بر اهل علم پوشیده نیست – دست یازیده و در حقیقت بخش ظریفی از میراث ادبی دوران معاصر به کف با کفایت او بسته و وابسته است، رای ناروایی است و چنین «تیر تبار تهمتی» را به سوری شفیعی نشانه گرفتن از انصاف به دور است. دو دیگر بسیاری از مقالات مذکور در کتاب، پیش از این در نشریات به چاپ رسیده‌اند که جز عده معدودی از دانشگاهیان بدان دسترسی ندارند و چاپ آنها در مجموعه تازه‌یی، دست کم برای دانشجویان خیر بسیار خوشایندی می‌نماید و تنها «بر مولوان این مکرر کردن است.»
خاصه آنکه اکنون در زمینه جامعه‌شناسی ادبیات برای رشته‌های هنر و علوم اجتماعی و . . . هیچ کتابی بهتر از کتاب مزبور وجود ندارد.

در حقیقت هر فصل آن صاحب اندیشه تازه‌یی است. چه، تمام این تحقیقات حاصل اجتهاد شخصی شفیعی کدکنی است. هم از این رو محال است که خواننده، یک فصل کتاب را مطالعه کند و با تفکر نویی مواجه نشود.

از این گذشته به این آزادی اندکی که برای هر کس درباره چاپ کتاب خودش وجود دارد چه خرده‌یی می‌توان گرفت. هر کس نمی‌خواهد، نخرد، نخواند و نداند. هنرمند یا محقق نمی‌تواند و نباید به خاطر تنگنای پسند برخی، از کار باز بماند.

سه دیگر داستان چاپ این کتاب است. البته آقای نیاز یعقوبشاهی در مقدمه کوتاهی که بر آن نوشته‌اند، اشارتی به موضوع کرده‌اند.
باری، قضیه از این قرار است که دو سال پیش آقای یعقوبشاهی که می‌خواستند حرفه تازه‌یی را بیازازند ورود به بازار نشر را به عنوان ناشر اختیار کردند و این کار البته پیشینه‌یی می‌طبلید و کتاب‌هایی نیز برای چاپ نیاز داشت. به سابقه مهر و مودت دیرینه و آگاهی از لطف و مرمی دکتر شفیعی نزد ایشان آمده و تقاضا کردند تا کتابی را برای چاپ به نشر زمانه بسپارند.

از آنجا که قرارداد کتاب‌های نسبتاً آماده دکتر شفیعی یعنی مجموعه آثار عطار و از میراث عرفانی شعر فارسی پیش از این با انتشارات سخن منعقد شده بود، قرار شد تا آقای یعقوبشاهی، خود مقالات دکتر شفیعی را در باب زمینه اجتماعی شعر فارسی جمع آوری و سپس چاپ کنند، که البته این کار هم به سبب بیماری ناشر تازه به تاخیر افتاد و سرانجام نیز کتاب با همکاری نشر اختران روانه بازار شد. ذکر این نکته در اینجا بسیار ضروری است که دکتر شفیعی کدکنی از ابتدا این کتاب را به عنوان هدیه‌یی به ناشر نوپا پیشنهاد کرده و در این مورد حتی یک ریال حق‌التالیف دریافت نکرده‌اند.

در حقیقت چند ایراد بر آقای یعقوبشاهی وارد است: ابتدا آنکه جای بسیاری از مقالات مهم دکتر شفیعی درباره زمینه اجتماعی شعر فارسی از جمله مقاله بسیار با اهمیت «خلافت فردی و نقش اجتماعی» و . . . در کتاب خلاصی است. دیگر آنکه آقای یعقوبشاهی باید نام خود را به عنوان گردآورنده بر روی جلد کتاب ذکر می‌کردند تا شبهه‌یی برای خوانندگان پیش نیاید. ضمناً آقای یعقوبشاهی که عملاً این کتاب را بدون نظارت دکتر شفیعی به چاپ رسانیده‌اند باید ماخذ اصلی هر مقاله را در هاشم صفحه آغاز آن قید می‌کردند.

در فرجام سخن یادآوری یک نکته را به آقای غلامی که آرزو کرده‌اند که ای کاش دکتر شفیعی «به جای صرف وقت برای ساختن این کتاب» مقدمات انتشار کتاب‌های دیگرش را فراهم می‌آورد، ضروری بل واجب می‌دانم. هر سال یک یا چند کتاب از کتاب‌هایی که دکتر شفیعی کدکنی – بی آنکه قاعده معهودی و الزامی و دینی میان باشد – وعده چاپ آنها را به علاقه‌مندان داده است، به چاپ می‌رسد.

نگارش و تحقیق برخی از این کتاب‌ها از حدود سی چهل سال پیش آغاز شده و وسواس دکتر شفیعی این زمان را به درازا کشانیده است. باری، خطا است و روا نیست حتی اگر به خلاف این عهدها نیز کاری اتفاق افتد به گمان مجرد سخنی و طعنی در این باب گفته آید.

درباره بازی عروس و داماد نوشته بلقیس سلیمانی بازی نویسنده و مخاطب

حسن محمودی

نویسنده با تکیه بر جزئیات با توصیف و روایت و تمهیدات دیگر ، در حجمی مورد نیاز و نه از پیش تعیین شده ، داستانی را شکل می‌دهد. در کتاب «بازی داماد و عروس» نویسنده با اجتناب از جزئیات ، توصیف و شخصیت‌پردازی ، دست به تمهیدی می‌زند که در نمونه‌های موفق اش داستان شکل می‌گیرد. برخی از این داستان‌ها در سطح باقی می‌ماند و برخی تاثیر ماندگاری از خود به جای می‌گذارد. این تاثیر بنابر درکی که از خواندن مجموعه ناشی می‌شود، به وجود می‌آید. چندان با این نظر موافق نیستم که استفاده از اصل غافلگیری، خواننده را تحت تاثیر قرار دهد. در واقع آن چیزی که داستان‌های خوب مجموعه را تاثیرگذار و قابل تامل می‌کنند، نه در اصل غافلگیرکنندگی آنها، بلکه در لایه‌های پنهان تداعی شده در ذهن مخاطب است. برخی از داستان‌های مجموعه «بازی عروس و داماد»، با استفاده از تمهیدات حکایت‌های فارسی و مثل‌های کهن مخاطب را با خود درگیر می‌کند. برخی از داستان‌ها خاطره‌یی را بازگو می‌کنند که در زمان حال و امروزی روایت می‌شود، اما ریشه در باورها و اسطوره‌ها و تاریخ ما دارند.

«بازی عروس و داماد» پیش از هر چیز یک اتفاق در فضای این روزهای داستان‌نویسی ایرانی است که برای تامل بیشتر در آن و

بحث در خوبی و بدی آن نیازمند زمان هستیم.
اتفاقی که دفاع از آن در مقام یک اثر قابل اعتنا، نیازمند استدلال و دلایل قوی است. برای سیاست‌گزاری از نویسنده‌یی که با شوخی دلنشین اش، تلنگری به فضای رختونک داستان ایرانی در این روزها زده است، در این یادداشت به آن چیزی فکر کردم که به نظر رسید از نقاط مثبت کتاب است. ذوق زدگی‌های حول و حوش این کتاب اتفاق افتاده باشد. اختلاف نظر در اینجا در وهله نخست در اجرای این داستان‌ها از سوی نویسنده‌اش است. برخی از داستان‌ها در چند سطر از کمترین کلمات در شکل گرفتن بهره می‌برند و برخی تصمدی برای ایجازگویی ندارند. سطرها به مدد تعدد نویسنده در شکل دادن اتفاق و نه روایت کامل اتفاق مدنظر کم یا زیاد می‌شوند.

در داستان کوتاه متعارف، اگر بخواهیم از لفظ مدرن یا امروزی حذر کنیم، برای شکل دادن به اتفاق مدنظر،

نگاره‌ی کتاب

درباره مجموعه داستان «گوساله سرگردان» نوشته مجید قیصری

این خانه سیاه است

یاسر نوروزی

اگر از مجموعه «گوساله سرگردان»، داستان اول و آخر را قلم بگیریم، مابقی داستان‌ها با ضعف‌های فاحشی دست به گر بیایند. قصه اول و آخر برای پایان نوشته می‌گذارم بلکه نئندی این نوشته در خطوط پایانی کند شود و از ما به دل نگیرند.

کلیت قصه‌ها فضایی به دست می‌دهد گرفته در تلخی، شکست و یأس. «قیصری» از «سه دختر

گلفروش» دور شده است. دیگر مثل «جنگی بود، جنگی نبود»، سرخوش نیستی. حتی طنز گوش و کنار آخرین رمانش «باغ تلو» نیز در این داستان‌ها مرده‌اند. در داستان «تلخک» از همین مجموعه، با شخصیتی روه‌رو و هسید که جنگ او را به اعتبار می‌کشاند، در «کابوسخانه»، انسان‌هایی را که برای آزمایش تسلیحات شیمیایی بر حد یک موش آزمایشگاهی تحلیل می‌روند،

در «نور کافی»، قهرمان داستان عمر رفته در اسارت را حسرت می‌برد و در «گوساله سرگردان» (که نام مجموعه نیز برگرفته از همین داستان است) به جنون می‌رسد. از درون‌مایه احساس در مخاطب ایجاد شود. به محض رسیدن شخصیت به اسارتگاه تنها به تداعی‌های کوتاهی بسنده می‌کند و داستان را عقیم می‌گذارد. شاید جای یک رمان در این میان خالی باشد.

ماسور: حکمت! به ضعیف‌ترین قصه می‌رسیم. این نوشته هیچ ارتباطی با قصه ندارد. بیشتر از دیده عبور کردن است. حکمتی است که در چند خطی به زبان آمده تا پند بگیریم و دنباله کار خویش!

اما قصه اول و آخر. در این دو داستان مشکلات قبلی دیده نمی‌شود. در داستان اول، قصه بی‌تقص است و در داستان آخر

کاملاً موفق. قصه اول داستان سربازی است که به گمان همرزمانش به جنون رسیده است. از شنیدن صدایی موهوم خبر می‌دهد و در پایان در می‌یابیم آنچه گفته حقیقت دارد. شاید یکی از دلایلی که این ضعف‌هایی که ذکرش رفت، روه‌رو نمی‌شویم، حجم داستان باشد. نویسنده در این قصه مجال شکل گرفتن به قصه می‌دهد و پس از چندین صفحه این امر محقق می‌شود. اما بهترین داستان این مجموعه «گوساله سرگردان» است. داستان، روایت سربازی است که به همراه چند نفر برای شناسایی یکی از نقاط حساس دشمن به قلب تجهیزات آنها می‌رود. چند صباچی را در آنجا با حال نزار می‌گذرانند و در پایان با یک محاصره قطعی، قصه تمام می‌شود. بهترین انتخاب زایوه دیدن زن همین جا اتفاق می‌افتد؛ من راوی که به صورت دست‌نوشته‌ها و چیزی شبیه دفترچه خاطرات، داستان را پیش می‌برد. نقطه به نقطه با مشاهدات او جلو می‌رویم و دست آخر به دو پایان محتصل می‌رسیم. سرباز یا به جنون رسیده است یا با محاصره کامل دشمن، آخرین لحظات عمرش را به سر می‌برد: «قار، قار، قار. آبادی را گذاشته‌اند روی سرشان. . . دیگر فکر نکنم کسی توی کوچه پس‌کوچه‌های خاکی آبادی مانده باشد. مگر کلبه‌ها و سربازها.»

درباره «مفیدآقا» نوشته مرتضی کربلایی لو فقط نرها میزبانند

فرشته احمدی

با وجود آنکه پیش از این تا حدودی با جهان‌بینی حاکم بر آثار کربلایی لو آشنا شده‌ایم در مفید آقا، نویسنده فرصت کافی برای تبیین جهان ذهنی حاکم بر رمانش را داشته و توانسته آن‌گونه که مدنظرش بوده آن را بسط دهد. دنیای مفیدآقا با وجود تلاش نویسنده برای تنوع بخشیدن به فضای رمان از طریق تغییر راوی، تغییر مکان و با وجود باقی گذاشتن برخی ایاهام در روند شکل‌گیری داستان، انگار تکه‌هایی از یک پازل به عمد حذف شده باشند، دنیایی است بسیار متمایل به ساختن جهانی کامل که همه عناصرش به سمت اتحادی که ذهن نویسنده از آن لحظاتی که راوی حق دیگران، حق حضور دیگران را ندیده‌اند، نحوه سخن گفتن. مجید همان حامد است

تامل می‌کنند، نه در اصل غافلگیرکنندگی آنها، بلکه در لایه‌های پنهان تداعی شده در ذهن مخاطب است. برخی از داستان‌های مجموعه «بازی عروس و داماد»، با استفاده از تمهیدات حکایت‌های فارسی و مثل‌های کهن مخاطب را با خود درگیر می‌کند. برخی از داستان‌ها خاطره‌یی را بازگو می‌کنند که در زمان حال و امروزی روایت می‌شود، اما ریشه در باورها و اسطوره‌ها و تاریخ ما دارند.

«بازی عروس و داماد» پیش از هر چیز یک اتفاق در فضای این روزهای داستان‌نویسی ایرانی است که برای تامل بیشتر در آن و بحث در خوبی و بدی آن نیازمند زمان هستیم.
اتفاقی که دفاع از آن در مقام یک اثر قابل اعتنا، نیازمند استدلال و دلایل قوی است. برای سیاست‌گزاری از نویسنده‌یی که با شوخی دلنشین اش، تلنگری به فضای رختونک داستان ایرانی در این روزها زده است، در این یادداشت به آن چیزی فکر کردم که به نظر رسید از نقاط مثبت کتاب است. ذوق زدگی‌های حول و حوش این کتاب از نقل قول‌های شفافیه گرفته تا برخی از یادداشت‌های احساسی همراه با عبارات‌های هیجان‌زده، با خود نگرانی‌هایی را به همراه دارد، نگرانی از این موضوع که مبدا تجربه «بازی عروس و داماد» در فضای تبه‌زده امروزی داستان ایرانی، باعث رواج شوخی‌هایی دم‌دمتی و ناپخته در حوزه داستان ایرانی شود و برخی به اشتباه، داستان نوشتن را ساده و در شکلی خام از ایده‌های دم دستی قلمداد کنند.

مجدید نماینده دنیای خشنی است که ابزار کارش

دستگاه سه‌نظامی است که خشونت نحوه کارش با آن حتی به سرکارگر اجازه اعتراض نمی‌دهد، سرگرمی‌اش تماشای محل شکنجه آدم‌هاست و وعده‌اش به اطرافیان این است که اجازه نخواهد داد آب خوش از گلویشان پایین

درباره «هاکردن» نوشته پیمان هوشمندزاده همین است که هست

علی شروفی

«هاکردن» چهار داستان است با مضمون‌های کم و بیش رایج زندگی شهری؛ خلأ، بحران رابطه، بیگانگی و طبق معمول بسیاری از داستان‌ها نوشته شده در این سال‌ها، اختلافات و دعواهای زن و شوهری به علاوه مضمون‌های طنزآمیزی که نویسنده برای این اختلاف‌ها و دعواها کوک کرده و از آنها تک‌مضراب‌هایی طنزآمیز ساخته است. «هوشمندزاده» در این مجموعه از رئالیسم

رایج در این گونه داستان‌ها فاصله کم و به محض رسیدن شخصیت به اسارتگاه تنها به تداعی‌های کوتاهی بسنده می‌کند و داستان را عقیم می‌گذارد. شاید جای یک رمان در این میان خالی باشد.
ماسور: حکمت! به ضعیف‌ترین قصه می‌رسیم. این نوشته هیچ ارتباطی با قصه ندارد. بیشتر از دیده عبور کردن است. حکمتی است که در چند خطی به زبان آمده تا پند بگیریم و دنباله کار خویش!
اما قصه اول و آخر. در این دو داستان مشکلات قبلی دیده نمی‌شود. در داستان اول، قصه بی‌تقص است و در داستان آخر

کاملاً موفق. قصه اول داستان سربازی است که به گمان همرزمانش به جنون رسیده است. از شنیدن صدایی موهوم خبر می‌دهد و در پایان در می‌یابیم آنچه گفته حقیقت دارد. شاید یکی از دلایلی که این ضعف‌هایی که ذکرش رفت، روه‌رو نمی‌شویم، حجم داستان باشد. نویسنده در این قصه مجال شکل گرفتن به قصه می‌دهد و پس از چندین صفحه این امر محقق می‌شود. اما بهترین داستان این مجموعه «گوساله سرگردان» است. داستان، روایت سربازی است که به همراه چند نفر برای شناسایی یکی از نقاط حساس دشمن به قلب تجهیزات آنها می‌رود. چند صباچی را در آنجا با حال نزار می‌گذرانند و در پایان با یک محاصره قطعی، قصه تمام می‌شود. بهترین انتخاب زایوه دیدن زن همین جا اتفاق می‌افتد؛ من راوی که به صورت دست‌نوشته‌ها و چیزی شبیه دفترچه خاطرات، داستان را پیش می‌برد. نقطه به نقطه با مشاهدات او جلو می‌رویم و دست آخر به دو پایان محتصل می‌رسیم. سرباز یا به جنون رسیده است یا با محاصره کامل دشمن، آخرین لحظات عمرش را به سر می‌برد: «قار، قار، قار. آبادی را گذاشته‌اند روی سرشان. . . دیگر فکر نکنم کسی توی کوچه پس‌کوچه‌های خاکی آبادی مانده باشد. مگر کلبه‌ها و سربازها.»

درباره «مفیدآقا» نوشته مرتضی کربلایی لو فقط نرها میزبانند

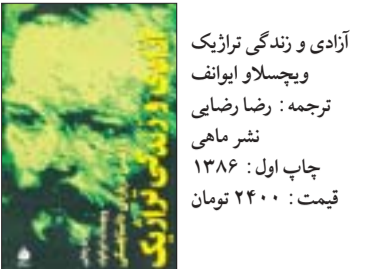
با وجود آنکه پیش از این تا حدودی با جهان‌بینی حاکم بر آثار کربلایی لو آشنا شده‌ایم در مفید آقا، نویسنده فرصت کافی برای تبیین جهان ذهنی حاکم بر رمانش را داشته و توانسته آن‌گونه که مدنظرش بوده آن را بسط دهد. دنیای مفیدآقا با وجود تلاش نویسنده برای تنوع بخشیدن به فضای رمان از طریق تغییر راوی، تغییر مکان و با وجود باقی گذاشتن برخی ایاهام در روند شکل‌گیری داستان، انگار تکه‌هایی از یک پازل به عمد حذف شده باشند، دنیایی است بسیار متمایل به ساختن جهانی کامل که همه عناصرش به سمت اتحادی که ذهن نویسنده از آن لحظاتی که راوی حق دیگران، حق حضور دیگران را ندیده‌اند، نحوه سخن گفتن. مجید همان حامد است

تامل می‌کنند، نه در اصل غافلگیرکنندگی آنها، بلکه در لایه‌های پنهان تداعی شده در ذهن مخاطب است. برخی از داستان‌های مجموعه «بازی عروس و داماد»، با استفاده از تمهیدات حکایت‌های فارسی و مثل‌های کهن مخاطب را با خود درگیر می‌کند. برخی از داستان‌ها خاطره‌یی را بازگو می‌کنند که در زمان حال و امروزی روایت می‌شود، اما ریشه در باورها و اسطوره‌ها و تاریخ ما دارند.

هیچ استفاده‌یی نمی‌کند؟ چرا با این که نامه مظهر درباره محل مهمانی مربوط به سال‌ها پیش است، مجید آن‌جا به کمین مظهر می‌ماند؟ او از کجا جزئیات مهمانی را می‌داند در حالی که توی نامه‌ها اشاره‌یی به آن چه که او می‌داند نشده و . . . این همه را به عدم امکان ایجاد انسجام مورد آرزوی نویسنده مربوط بدانم و به این که همسو شدن حرکات و اندیشه‌ها برای جلوگیری از اغشاش و چندآوایی، آن چنان غیر طبیعی است که منجر به گسست بخش‌های دیگر روایت می‌شود. بخش‌هایی که به نسبت تحکم ساختار ذهنی نویسنده بی‌اهمیت تلقی شده‌اند تا شاید به زعم او گسست و چندپارگی در پیرنگ، اندکی از فشار جهانی آن همه یکسو نگر بکاهد. در نتیجه به طور شگفت‌انگیزی با جهانی تکه‌پاره مواجه می‌شویم که حتی اندکی از سخنی اندیشه حاکم بر آن به واسطه پراکندگی اش کاسته نشده.

معرفی کتاب

داستایوفسکی به روایت ایوانف



آزادی و زندگی تراژیک

ویچسلاو ایوانف

ترجمه: رضا رضایی

نشر ماهی

چاپ اول: ۱۳۸۶

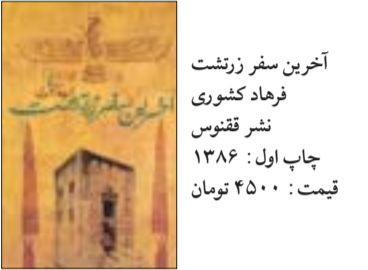
قیمت: ۲۴۰۰ تومان

شنبه

۳۰ آذرماه ۱۳۸۶ - ۱۳ ذی‌القعده ۱۳۸۸ - ۲۴ نوامبر ۲۰۰۷ - سال ششم، شماره ۱۵۴۷

آزادی و زندگی تراژیک، پژوهشی است درباره زندگی فئودور داستایوفسکی. این کتاب به قلم «ویچسلاو ایوانف» - شاعر و منتقد مطرح روس در سال‌های نخست قرن بیستم- نوشته شده است. کتاب شامل سه بخش است با عنوان‌های درآمدی بر جهان بوپتیایی داستایوفسکی، درآمدی بر اسطوره‌سازی داستایوفسکی و درآمدی بر دیدگاه‌های دینی داستایوفسکی. در بخشی از این کتاب آمده است: «داستایوفسکی در افق دوردست مشعل‌هایی افروخته است چنان درخشنده و تابان که به نظر ما نه به شعله‌های زمینی بلکه به اختران آسمانی می‌مانند.»

یک رمان تاریخی



آخرین سفر زرتشت

فرهاد کشوری

نشر ققنوس

چاپ اول: ۱۳۸۶

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

شنبه

آخرین سفر زرتشت تازه‌ترین رمان فرهاد کشوری - نویسنده معاصر - است. کشوری در این رمان به مقطعی از زندگی زرتشت پرداخته و کوشیده‌است در قالب رمانی سیصد و پنجاه صفحه‌یی به اندیشه‌های زرتشت و تقابلسش با تفکر غالب عصر او بپردازد. کشوری این بار برخلاف رمان قبلی‌اش به مقطعی دورتر از تاریخ ایران پرداخته و کوشیده است آن را به مدد تخیل باآفرینی کند.

داستان‌های طنز



خرمگس و زن‌ستیز

حسین یعقوبی

انتشارات مروارید

چاپ اول: ۱۳۸۶

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

«خرمگس و زن‌ستیز» مجموعه داستان‌های طنزآمیزی است از نویسندگان جهان که توسط «حسین یعقوبی» گردآوری و ترجمه شده است. نویسندگانی که برخی از آنها از چهره‌های شناخته‌شده داستان‌نویسی جهان هستند و برخی دست‌کم برای خواننده ایرانی ناشناخته‌تر. به همین دلیل در آغاز هر داستان، معرفی کوتاهی هم از هر نویسنده و آثارش ارائه شده. ضمن اینکه مترجم در مقدمه این کتاب به قالب‌های گوناگون داستانی که طنزنویسان همواره به آنها علاقه‌مند بوده‌اند اشاره کرده است؛ قالب‌هایی مثل حکایت‌های تاریخی و افسانه‌های جن و پری. «مردی که با خودش ازدواج کرده»، «قصه‌های تحریف شده پریان»، «دفاع شخصی»، «ماهی جهان‌وطن»، «سه مرد در قایق» و . . . از جمله داستان‌هایی است که در این مجموعه می‌خوانید.

از زبان شناسی تا گویش



درآمدی بر گویش شناسی

علی اکبر شیری

انتشارات مازیار

چاپ اول: ۱۳۸۶

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

«درآمدی بر گویش شناسی» کتابی است درباره «گویش» که خود یکی از شاخه‌های مورد توجه زبان‌شناسی است. نویسنده در این کتاب به جنبه‌های گوناگون «گویش شناسی» و ساخت زبانی «گویش» و اجزای این ساخت پرداخته است. کتاب در هشت فصل

است با عناون‌های «زبان»، «گویش»، «گویش شناسی»، «پیکره گویش» (آواها)، «پیکره گویش» (دستور زبان)، «گویش‌های جغرافیایی»، «گویش‌های اجتماعی» و «گویش‌های تاریخی». در بخشی از پیشگفتار کتاب آمده است: «در حقیقت گویش نمود زبان است و لازمه شناخت آن شناخت زبان است. زبان بسی فراتر از آن است که تنها یک وسیله ارتباطی شمرده شود.»

«گویش شناسی» که خود یکی از شاخه‌های مورد توجه زبان‌شناسی است. نویسنده در این کتاب به جنبه‌های گوناگون «گویش شناسی» و ساخت زبانی «گویش» و اجزای این ساخت پرداخته است. کتاب در هشت فصل است با عناون‌های «زبان»، «گویش»، «گویش شناسی»، «پیکره گویش» (آواها)، «پیکره گویش» (دستور زبان)، «گویش‌های جغرافیایی»، «گویش‌های اجتماعی» و «گویش‌های تاریخی». در بخشی از پیشگفتار کتاب آمده است: «در حقیقت گویش نمود زبان است و لازمه شناخت آن شناخت زبان است. زبان بسی فراتر از آن است که تنها یک وسیله ارتباطی شمرده شود.»

«گویش شناسی» که خود یکی از شاخه‌های مورد توجه زبان‌شناسی است. نویسنده در این کتاب به جنبه‌های گوناگون «گویش شناسی» و ساخت زبانی «گویش» و اجزای این ساخت پرداخته است. کتاب در هشت فصل است با عناون‌های «زبان»، «گویش»، «گویش شناسی»، «پیکره گویش» (آواها)، «پیکره گویش» (دستور زبان)، «گویش‌های جغرافیایی»، «گویش‌های اجتماعی» و «گویش‌های تاریخی». در بخشی از پیشگفتار کتاب آمده است: «در حقیقت گویش نمود زبان است و لازمه شناخت آن شناخت زبان است. زبان بسی فراتر از آن است که تنها یک وسیله ارتباطی شمرده شود.»

افسانه‌های روستای آبیانه

در کتاب

افسانه‌های دهستان بزررود

کاظم سادات اشکوری

با تصویرسازی‌های قیاد شیوا

مركز پبشني: گزیدید: ۹۸۷-۶۶۴۰۰

کتاب ماد: ۵۲۹-۶۶۴۶۰

نشر فرازا: ۴۴۳-۶۶۴۸۷

پخش آبان: ۱۲-۶۶۹۵۵

پویای معین: -۶۶۹۱۳۳